



اصل (منطق)

اصل، در لغت به معنی اسس و پایه و در اصطلاح **علم منطق**، قضیه‌ای که آن را منعکس کرده باشند، نسبت به قضیه منعکس شده را اصل گویند، همچنین نسبتی که در استدلال تمثیلی، محقق و مسلم باشد را اصل گفته‌اند.

فهرست مندرجات

۱ - توضیح اصطلاح

۲ - پانویس

۳ - منبع

توضیح اصطلاح

۱- اسس و پایه و آنچه چیز دیگر بر آن بنیان نهاده شود، یا از آن منتزع گردد.
«و اصل‌های همه علم‌ها آخر به **علم مابعدالطبیعه** درست شود».

[۱] [ابن‌سینا، حسین بن عبدالله، دانش‌نامه علانی، ص ۱۳۰.](#)

«پس این اقسام اصل‌های علم بر هانی‌اند».

[۲] [ابن‌سینا، حسین بن عبدالله، دانش‌نامه علانی، ص ۱۴۶.](#)

«مبادی و اصول اولین‌اندر علم بر هان چهاراند».

[۳] [ابن‌سینا، حسین بن عبدالله، دانش‌نامه علانی، ص ۱۴۳.](#)

۲- قضیه‌ای که آن را منعکس کرده باشند، نسبت به قضیه منعکس شده مثلاً چون قضیه «هیچ مثلث متساوی الاضلاعی قائم الزاویه نیست»، به قضیه «هیچ مثلث قائم الزاویه‌ای متساوی الاضلاع نیست» منعکس گردد، قضیه نخست را اصل، و قضیه دوم را که ماخوذ و متفرع از آن است **عکس** نامند.

«و شرط صحت عکس، صدق اصل است چه صدق اصل اقتضای صدق عکس کند».

[۴] [خواجه نصیر الدین طوسی، محمد بن محمد، اسس الاقتباس، ص ۱۶۱.](#)

۳- آنچه در استدلال تمثیلی (یا **قیاس فقهی**) نسبت امری بدان محقق و مسلم باشد مانند زمین در تمثیل ذیل:

زمین دارای آب و هوا است و مسکون است؛ کره مریخ نیز مانند زمین دارای آب و هواست؛ پس مریخ مسکون است.

«ایشان بیامدند و چیزی را حکمی یافتند چنان‌که مثلاً خانه را محدثی، «خانه» را اصل خواندند، و محدثی را حکم و آنگاه بشدند و اندر آسمان نگریندند و او را مانند خانه یافتند بدان‌که آسمان را نیز جسمی دیدند با شکل و صورت، آسمان را محدث خواندند و بگفتند که آسمان محدث است».

[۵] [ابن‌سینا، حسین بن عبدالله، دانش‌نامه علانی، ص ۹۶.](#)

«و قومی جدلیان متکلمان را پیش از این در احتجاجت عقلی اعتماد بر این تالیف بوده است. و ایشان اصل را شاهد گویند، و فرع را غایب. و به شاهد آن خواهند که حکم در و موجود و معلوم باشد، و به غایب آنکه در او مطلوب و مجهول باشد».

[۶] [خواجه نصیر الدین طوسی، محمد بن محمد، اسس الاقتباس، ص ۳۳۳.](#)

پانویس

۱. ↑ [ابن‌سینا، حسین بن عبدالله، دانش‌نامه علانی، ص ۱۳۰.](#)

۲. ↑ [ابن‌سینا، حسین بن عبدالله، دانش‌نامه علانی، ص ۱۴۶.](#)

۳. ↑ [ابن‌سینا، حسین بن عبدالله، دانش‌نامه علانی، ص ۱۴۳.](#)

۴. ↑ [خواجه نصیر الدین طوسی، محمد بن محمد، اسس الاقتباس، ص ۱۶۱.](#)

۵. [↑ ابن سینا، حسین بن عبدالله، دانش نامه علانی، ص ۹۶.](#)
۶. [↑ خواجه نصیر الدین طوسی، محمد بن محمد، اساس الاقتباس، ص ۳۳۳.](#)

منبع

[خوانساری، محمد، فرهنگ اصطلاحات منطقی به انضمام واژه نامه فرانسه و انگلیسی، ص ۱۹.](#)

رده‌های این صفحه: [احکام قضایا](#) | [اصطلاحات منطقی](#) | [عکس](#)